# روزنامه شرق

میلاد امام حسین(ع) خجسته باد

هدیه ویژه نمایشگاه فرش دستبافت

سال چهارم ■ شماره ۸۴۴ ■ دوشنبه ۶ شهریور ۱۳۸۵ ■ ۳ شعبان ۱۴۲۷ ■ ۲۸ آگوست ۲۰۰۶

۳۲ صفحه ■ به همراه ۱۶ صفحه نیازمندی‌های شرق ویژه استان‌های تهران، قزوین و قم ■ ۱۵۰ تومان

## حداد عادل: خبرهای خوش هسته‌ای ادامه دارد

ایسنا: غلامعلی حدادعادل رئیس مجلس روز گذشته در جمع خبرنگاران در پاسخ به این که آیا خبرهای خوش هسته‌ای باز ادامه خواهد داشت، گفت: بله. انشاءالله. رئیس مجلس با اشاره به افتتاح مجتمع آب سنگین اراک توسط رئیس جمهور گفت: این مجتمع دستاورد بسیار ارزشمندی است و با تولید آب سنگین در ایران - ایران نهمین کشوری است که چنین موفقیتی به‌دست آورده است- ما می‌توانیم پیشرفت خوبی در زمینه استفاده صلح‌آمیز از دانش هسته‌ای داشته باشیم. . . صفحه ۲

## کتاب جدید کارتر درباره ایمان و آزادی

جیمی کارتر از رفتارهای تونی بلر «شگفت‌زده و بسیار ناامید» است و اعتقاد دارد که نخست‌وزیر انگلیس نقش «بله قربان‌گو و فرمانبردار» کاخ سفید را بازی می‌کند. رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در مصاحبه‌ای به مناسبت انتشار کتاب جدیدش «ایمان و آزادی» آقای بلر را به باد انتقاد گرفته و گفته است: «من فکر می‌کنم نخست‌وزیر انگلیس بیش از هر فرد دیگری در جهان می‌توانست تاثیر بازدارنده و تعدیل کننده بر واشینگتن داشته باشد، اما در عمل چنین نکرد. . . صفحه آخر

تیترها

## مدیرمسئول ایران تبرئه شد

صفحه ۳۱

کنفرانس‌های خبری وزرا در هفته دولت

### وزیر مسکن: سندی برای گرانی مسکن وجود ندارد

### وزیر صنایع: قول‌هایی می‌دهم که عملی شود

صفحه ۱۱

| بازار دیروز | |
|---|---|
| یک گرم طلای ۱۸ عیار | ۱۴۰۴۰ تومان |
| سکه تمام بهار «طرح جدید» | ۱۴۱۵۰۰ تومان |
| نیم سکه | ۷۱۳۰۰ تومان |
| دلار | ۹۲۰ تومان |
| یورو | ۱۱۷۴ تومان |
| شاخص کل بورس تهران | ۹۲۵۹/۹۹ |

تاسیسات آب سنگین اراک- عکس: مجید سعیدی فارس

گزارش علمی شرق

# آب سنگین چیست؟

**گروه دانش، سلیمان فرهادیان:** «با تاییدات خداوند متعال و الطاف الهی و در سال پیامبر اعظم(ص) بهره‌برداری از اولین مجتمع تولید آب سنگین سازمان انرژی اتمی ایران در تاریخ چهارم شهریورماه ۱۳۸۵ با حضور آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد، ریاست محترم و محبوب جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید.»

دکتر محمود احمدی‌نژاد روز شنبه چهارم شهریور با پرده‌برداری از لوح یادبود مجتمع آب سنگین اراک، یکی از بزرگترین پروژه‌های هسته‌ای کشور را که ساخت آن از سال ۷۷ آغاز شده بود افتتاح کرد. پروژه تولید آب سنگین در شمال غربی اراک و در نزدیکی تاسیسات نیروگاه ۴۰ مگاواتی آب سنگین اراک قرار دارد و برای تامین آب سنگین این رآکتور ساخته شده است. به گفته غلامرضا آقازاده رئیس سازمان انرژی اتمی ایران ظرفیت تولید این مجتمع ابتدا هشت تن بود و امروز ظرفیت آن به ۱۶ تن آب سنگین با غنای ۹۹/۸ درصد رسیده است. سعیدی معاون امور بین‌الملل سازمان انرژی اتمی در توصیف اهمیت این پروژه گفت: این پروژه نقش بسزایی در ارتقای علمی کشور و صنایع داخلی دارد و نشانگر رشد و بلوغ و ارتقای دانش فنی نیروهای متخصص ایرانی است. پروژه مجتمع تولید آب سنگین اراک به عنوان یکی از شاخصه‌های دانش هسته‌ای، در پزشکی و به خصوص کنترل سرطان و کنترل بیماری ایدز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و به عنوان خنک‌کننده و کندکننده رآکتورهای آب سنگین به کار می‌رود. با گشایش این واحد صنعتی، ایران به عنوان نهمین کشور دارای تجهیزات تولید آب سنگین مطرح می‌شود. کشورهای آرژانتین، کانادا، هند و نروژ نیز بزرگترین صادرکنندگان آب سنگین جهان هستند. با توجه به اهمیت راه‌اندازی این واحد در صنایع هسته‌ای، در ادامه با آب سنگین و کاربردهای آن در شاخه‌های گوناگون آشنا می‌شویم. آب خالص ماده‌ای است بی‌رنگ، بی‌بو و بدون طعم. فرمول شیمیایی آب $H_2O$ است، یعنی هر مولکول آب از اتصال دو اتم هیدروژن به یک اتم اکسیژن ساخته شده است. نکته‌ای که باید در نظر داشت آن است که عنصر هیدروژن (همانند بسیاری دیگر از عنصرهای طبیعت) ایزوتوپ‌هایی دارد که عبارتند از $H^2$ که با D (دوتریم) و $H^3$ که با T (تریتیم) نمایش می‌دهند. برای آشنا شدن با تفاوت این ایزوتوپ‌ها بهتر است یک‌بار دیگر ساختار اتم را به یادآوریم.

■ **ساختار اتم**

اتم کوچکترین بخش سازنده یک عنصر شیمیایی است که هنوز هم خواص شیمیایی آن عنصر را دارد. خود اتم‌ها از سه جزء ساخته شده‌اند: الکترون، پروتون و نوترون. پروتون و نوترون در درون هسته اتم قرار دارد و الکترون به دور هسته اتم می‌گردد. الکترون بار منفی و جرم بسیار کمی دارد. پروتون بار مثبت و نوترون بدون بار است. جرم پروتون و نوترون برابر و حدود ۱۸۷۰ بار سنگین‌تر از الکترون است، بنابر این بخش عمده جرم یک اتم درون هسته آن قرار دارد. ایزوتوپ: ایزوتوپ به صورت‌های گوناگون یک عنصر گفته می‌شود که جرم آنها با هم تفاوت داشته باشد. تفاوت ایزوتوپ‌های مختلف یک عنصر از آنجا ناشی می‌شود که تعداد نوترون‌های موجود در هسته آنها با هم تفاوت دارد. (البته تعداد پروتون‌های تمام اتم‌های یک عنصر از جمله ایزوتوپ‌ها با هم برابر است.) برای مثال عنصر هیدروژن دارای سه ایزوتوپ است: H (هیدروژن) که در هسته خود فقط یک پروتون دارد، بدون نوترون. $H^2$ یا D (دوتریم) که در هسته خود یک پروتون و یک نوترون دارد و $H^3$ یا H (تریتیم) که یک پروتون و دو نوترون دارد. از آنجایی که خواص شیمیایی یک عنصر به تعداد پروتون‌های هسته مربوط است، ایزوتوپ‌های مختلف در خواص شیمیایی با هم تفاوت ندارند، بلکه خواص فیزیکی آنها با هم متفاوت است. عمده هیدروژن‌های طبیعت H یا هیدروژن معمولی است و فقط ۰/۰۱۵ درصد آن را دوتریم تشکیل می‌دهد، یعنی از هر ۶۴۰۰ اتم هیدروژن، یکی دوتریم است. حال در نظر بگیرید که به جای یک اتم هیدروژن معمولی در مولکول آب ($H_2O$) اتم D بنشیند. آن‌وقت مولکول HDO به وجود می‌آید که به آن آب نیمه سنگین می‌گویند. اگر جای هر دو اتم هیدروژن، دوتریم بنشیند، $D_2O$ به وجود می‌آید که به آن آب سنگین می‌گویند. خواص فیزیکی آب سنگین تا حدودی با آب سبک یا آب معمولی تفاوت دارد. با توجه به جانشینی D به جای H در آب سنگین، انرژی پیوندی پیوندهای اکسیژن- هیدروژن در آب تغییر می‌کند و در نتیجه خواص فیزیکی و به ویژه خواص زیست‌شناختی آب عوض می‌شود.

در همین زمینه
گفت‌وگوی شرق با اولین مسئول پروژه تولید آب سنگین در ایران
صفحه ۳۱

■ **تاریخچه تولید آب سنگین**

والتر راسل در سال ۱۹۲۶ با استفاده از جدول تناوبی «مارپیچ» وجود دوتریم را پیش‌بینی کرد. هارولد یوری یکی از شیمیدانان دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۳۱ توانست آن را کشف کند. گیلبرت نیوتن لوئیس هم در سال ۱۹۳۳ توانست اولین نمونه از آب سنگین خالص را با استفاده از روش الکترولیز تهیه کند. هوسی و هافر نیز در سال ۱۹۳۴ از آب سنگین استفاده کردند و با انجام اولین آزمون‌های ردیابی زیست‌شناختی به بررسی سرعت گردش آب در بدن انسان پرداختند.

**تولید آب سنگین:** در طبیعت از هر ۳۲۰۰ مولکول آب یکی آب نیمه سنگین (HDO) است. آب نیمه سنگین را می‌توان با استفاده از روش‌هایی مانند تقطیر یا الکترولیز یا دیگر فرآیندهای شیمیایی از آب معمولی تهیه کرد. هنگامی که مقدار HDO در آب زیاد شد، میزان آب سنگین نیز بیشتر می‌شود زیرا مولکول‌های آب هیدروژن‌های خود را با یکدیگر عوض می‌کنند و احتمال دارد که از دو مولکول HDO یک مولکول $H_2O$ (آب معمولی) و یک مولکول $D_2O$ (آب سنگین) به وجود آید. برای تولید آب سنگین خالص با استفاده از روش‌های تقطیر یا الکترولیز به دستگاه‌های پیچیده تقطیر و الکترولیز و همچنین مقدار زیادی انرژی نیاز است، به همین دلیل بیشتر از روش‌های شیمیایی برای تهیه آب سنگین استفاده می‌کنند.

■ **کاربردهای آب سنگین**

آب سنگین در پژوهش‌های علمی در حوزه‌های مختلف از جمله زیست‌شناسی، پزشکی، فیزیک و. . . کاربردهای فراوانی دارد که در زیر به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

ادامه در صفحه ۳۱

در میزگرد «نفت و سیاست» پیشنهاد شد

# پول نفت را به مردم بدهید

موسی غنی‌نژاد

عباس عبدی

**گروه سیاسی، مریم شبانی:** میزگرد «اقتصاد سیاسی و نفت» با حضور عباس عبدی و موسی غنی‌نژاد عصر شنبه در محل دفتر سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم) برگزار شد. حضور توامان عباس عبدی و موسی غنی‌نژاد به عنوان تنها شرکت‌کنندگان در این میزگرد، البته تقارن جالبی را نیز رقم زد. وقتی هر دو آنها به رغم اختصاص به دو جبهه سیاسی - فکری در ایران (عبدی در جناح چپ و غنی‌نژاد در جناح لیبرال)، از دیدگاهی نزدیک به یکدیگر در خصوص «نفت و اقتصاد سیاسی» سخن می‌گفتند. چه‌بسا این نزدیکی از آن روی بود که از یک سو عباس عبدی از نگاه‌های چپ گرایانه قدیم خود دور شده است و از سوی دیگر غنی‌نژاد نیز برخلاف دیگر همفکران اقتصادی خویش با نگاهی سیاسی‌تر و رویه‌ای روشنفکری‌تر، وضعیت موجود را تحلیل می‌کند و صرفاً یک لیبرال اقتصادی نیست بلکه لیبرالی سیاسی نیز هست. همچنین اگرچه غنی‌نژاد در دوران هشت‌ساله اصلاحات منتقد اصلاح‌طلبان باقی ماند و کمتر به توافق با آنها در اندیشه دست یافت اما گویی فاصله گرفتن عبدی از اصلاح‌طلبان نیز دلیلی شده بود تا در خلال این میزگرد غنی‌نژاد و عبدی از دیدگاهی مشابه دفاع کنند.

■ **طرح کروبی را روشنفکران دست‌کم گرفتند**

اینچنین شد که اگرچه خیلی از تحلیلگران و از جمله همکاران و همفکران اقتصادی غنی‌نژاد نظریه اخیر عباس عبدی مبنی بر «لزوم تقسیم پول نفت در میان مردم» را نظریه‌ای پوپولیستی می‌خواندند و این سخن عبدی که «در کشورهایی که دموکراسی تحقق نیافته باید دست حکومت از پول نفت کوتاه شود» را نمی‌پذیرفتند اما در میانه این میزگرد غنی‌نژاد نیز از لزوم تقسیم مستقیم پول نفت در میان مردم سخن گفت: «ما طرفداران اقتصاد آزاد موافق توزیع مستقیم درآمد نفت البته به صورت دلاری در میان مردم هستیم.» غنی‌نژاد اما این سخن را برای حمایت از وعده انتخاباتی مهدی کروبی در زمان رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری نهم به زبان آورد: «من معتقدم که طرح کروبی را روشنفکران دست‌کم گرفتند. مهم‌ترین نکته طرح این بود که مردم و افکار عمومی نسبت به قابلیت انجام چنین کاری آگاه می‌شوند. اما مشکل طرح کروبی این بود که از توزیع ریالی سخن می‌گفت و این توزیع را به درآمدهای نفتی مربوط نمی‌دانست.» عباس عبدی نیز در میانه این میزگرد با طرح این سئوال که «چه اشکالی داشت ماهانه ۵۰هزار تومان از پول نفت به مردم می‌رسید» طرح کروبی را اینچنین تفسیر کرد: «میان وعده‌های انتخاباتی کاندیداهای ریاست جمهوری نهم تنها کروبی بود که وعده‌ای قابل تامل داد. در شعار دیگر کاندیداها چیزی وجود نداشت اما در وعده کروبی چیزی نصیب مردم می‌شد.»

■ **انتقاد از تاسیس صندوق ذخیره ارزی به لحاظ سیاسی**

اما آنچه در میزگرد «بررسی نفت و اقتصاد سیاسی» محوریت یافت، نقد و تحلیل تشکیل صندوق ذخیره ارزی بود که دو شرکت‌کننده نیز دیدگاه‌های خویش را برپایه استفاده‌های سیاسی دولتمردان از موجودی این صندوق بیان کردند. عباس عبدی که چندی پیش با نگارش مقاله‌ای از مخالفت خود با تشکیل صندوق ذخیره ارزی سخن گفته بود و موجودی این حساب را عاملی موثر در طرح شعارهای اقتصادی دولت جدید خوانده بود اما آغازگر بحث در این میزگرد نبود چه آنکه موسی غنی‌نژاد با اشاره به آنچه عبدی در مخالفت با تشکیل این حساب نوشته بود سخن را با بیان مضرات تاسیس صندوق ذخیره ارزی آغاز کرد: «استدلال مهندس عبدی از یک جهت درست است. وجود درآمدهای آسان‌یاب نفت ابزاری در دست دولت‌ها است که با استفاده از آن اهداف سیاسی خود را پیش برند و از اهداف ملی غافل شوند.» غنی‌نژاد اما معایب وابستگی به درآمدهای نفتی را خاص سیاستمداران سال‌های اخیر ندانست و آن را معضل ۵۰ساله حکومتمردان ایران عنوان کرد: «سیاست‌های قبل از انقلاب هم پوپولیستی بود. به این ترتیب هنوز گفتار سیاسی ما عوض نشده است. تا وقتی این درآمدهای آسان‌یاب در اختیار دولت است توهمات دولتمردان ادامه خواهد داشت. این بیماری عمومی است و به شخص خاصی هم اختصاص ندارد.»

به این ترتیب غنی‌نژاد با تذکر خطر این بیماری چندین ساله، هدف اصلی تشکیل صندوق ذخیره ارزی توسط دولت اصلاحات را چنین بیان کرد: «این صندوق با این هدف ایجاد شد که درآمدهای نفتی به آن منتقل شود و به بودجه دولتی داخل نشود تا در زمان نوسانات قیمت نفت در بودجه عمومی کشور تعادل ایجاد شود.» به اعتقاد غنی‌نژاد ایده اصلی تشکیل این صندوق ایده‌ای منطقی و عاقلانه بود که البته برخوردهای سیاسی ایده اصلی را نقض کرد: «با تصویب تبصره‌های مختلف این حساب هیچ‌گاه بنا بر آنچه شأن نزول آن بود اجرا نشد و این نقض قانون حتی توسط مجلس ششم و دولت اصلاحات صورت گرفت چرا که وسوسه‌های سیاسی دولتمردان باعث خرج شدن موجودی داخل صندوق شد.» غنی‌نژاد اما در مقام ارائه یک راهکار در حالی که همواره نیز از زاویه‌ای روشنفکرانه به مسائل اقتصادی و سیاسی می‌نگرد، آگاهی افکار عمومی را اصلی‌ترین عامل بازدارنده اعلام کرد.

نکته
روشنفکران طرح کروبی را دست کم گرفتند.

■ **دو نگاه متفاوت نسبت به فشار افکار عمومی**

سخنان غنی‌نژاد درباره هدف اصلی تاسیس صندوق ذخیره ارزی، حمایت عبدی از اهداف تشکیل این صندوق را نیز به دنبال آورد اما عبدی اشکال وارد بر تشکیل صندوق ذخیره ارزی را چنین توضیح داد: «این درست که اهداف مهم بود اما نتوانستند تاثیر ساختاری ایجاد کنند. این صندوق فقط توانست نقش منبعی جهت برنامه‌ریزی برای خروجی‌های اقتصاد سیاسی را ایفا کند.» عبدی در ادامه به دلایل مخالفت خویش با تشکیل صندوق اشاره کرد: «در برنامه‌ریزی الزاماً همواره با انتخاب میان بد و بدتر مواجه هستیم و بر این مبنا عقل حکم می‌کند که وضعیت بد را انتخاب کنیم. اما تشکیل این صندوق آثار بدی را بر اقتصاد ما حمل می‌کرد که باید به صورت جداگانه مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گرفت. نکته دیگر اینکه در تشکیل صندوق سازوکار درست و قابلیت اجرایی دیده نمی‌شود.» به این ترتیب این صندوق را عاملی در دست دولتمردان برای رو کردن برگ‌های برنده خود در مقابل حوادث غیرمترقبه خواند: «این صندوق وقتی می‌توانست موثر باشد که تشکیل دهندگان برای آن ضمانت اجرایی قرار می‌دادند تا کسی نتواند در هر زمینه‌ای از آن استفاده کند.» با این حال برخلاف نظر غنی‌نژاد که آگاهی افکار عمومی را مانعی در مقابل استفاده بی‌قاعده دولت از موجودی حساب ارزی معرفی کرد عبدی اما فشار افکار عمومی را از موارد تشدید حمله به صندوق ارزی عنوان کرد: «دولت قدرتمند باید بتواند در مواقع لزوم نه از باب دشمنی بلکه از باب منطق در مقابل افکار عمومی بایستد. تا جایی که دولت قبلی اگرچه اصرار می‌کرد که برداشت از موجودی صندوق ذخیره خلاف است اما گام جدی در مقابل آن برنداشت و دولت فعلی هم نه تنها چنین اصراری ندارد که خود به موجودی صندوق چشم دوخته است.»

■ **عبدی: اگر می‌توانستم فتوا دهم نفت را حرام اعلام می‌کردم**

عباس عبدی که در سال‌های اخیر با دوستان اصلاح‌طلب خود به انتقاد سخن گفته است، در ادامه انتقادهای خویش از عملکرد این جریان سیاسی، صندوق ذخیره ارزی را «باروتی در زیر بشکه اصلاحات» خواند: «توزیع درآمد نفتی در جامعه درست مدیریت نشد و کسانی که می‌خواستند درآمد نفت را از دست دولت بگیرند راه خطایی رفتند.» به این ترتیب عباس عبدی استقلال مالی حکومت از مردم و اجتماع را اصلی‌ترین معضل کشورها برشمرد: «قدرتی که نفت خارج از مجاری مالیات‌گیری به دولت می‌دهد مشکلات زیادی را به بار می‌آورد. من اگر می‌توانستم فتوا دهم نفت را حرام می‌کردم. نفت هم مثل مشروب عقل را زائل می‌کند با این تفاوت که مستی پول نفت عقل سیاستمداران و عوام را به صورت بلندمدت زائل می‌کند.» تعبیر عباس عبدی مبنی بر مستی حاصل از نفت با استقبال غنی‌نژاد مواجه شد و البته این روشنفکر دایره مستی حاصل شده از درآمدهای نفتی را خاص دولت ندانست و آن را به تمام افراد جامعه مربوط دانست: «درآمدهای نفتی باعث می‌شود که در این کشورها مردم بیشتر از آنچه کار می‌کنند درآمد داشته باشند. اکنون در ایران بیش از آنچه شایستگی اقتصادی داریم مصرف می‌کنیم و حجم واردات در مقابل صادرات بسیار زیاد است.»

ادامه در صفحه ۳۱

سرمقاله

به بهانه گفت‌وگوی عبدی و غنی‌نژاد

## «دیالوگ» در تعلیق

رضا خجسته‌رحیمی

اکنون یک چندی است که عرصه سیاست در ایران برای تحول‌خواهان ایرانی به حالت تعلیق درآمده است و در کناره اما فضای گفت‌وگو نیز در انحصار تعلیق است. سیاستمداران تحول‌خواه ایرانی، خسته‌تر از آنند که لباس سیاست را به رفوی گفت‌وگو بسپارند و بدین ترتیب، در غیاب گفت‌وگو، جامه سیاست به تن ننشسته است و چرخ سیاست‌ورزی نیز نمی‌چرخد. خروج اصلاح‌طلبان از قدرت- آنجا که گفته‌اند و می‌دانیم- یا برآمده از ضعف‌های درونی بود و یا منبعث از فشارهایی بیرونی و مگرنه آنکه گذر از این ضعف‌های درونی و آن فشارهای بیرونی، جز از مسیر نقد فراهم نخواهد آمد و مگر غیر از این است که مسیر نقد از گفت‌وگو می‌گذرد. اما آنچنان که گفته آمد، گویی ما را به گفت‌وگو حاجت نیست که اکنون هیچ اصلاح‌طلبی، اصلاح‌طلب دیگر را به مباحثه فرانمی‌خواند و اگر مباحثه‌ای نیز در میان آید، گویی فرجامی را به انتظار نباید نشست. هرکس راه خود می‌رود و حظ خویش می‌برد. همگان دیگری را مقصر می‌دانند و بدین ترتیب چه جای گفت‌وگو است با مقصر و چه حاجتی است به همفکری با او. کافی است تا دیگری را که مسبب ناکامی است از قطار ائتلاف، پیاده سازیم تا مسیر پیش‌روی، به تبع هموار آید. اما آیا این سیاست، تداوم راه گذشته نیست؛ راهی که نتیجه آن، توقف قطار سیاست در مسیر اصلاحات بود؟ دوم خرداد، آنچنان که شنیده‌ایم محصول گفت‌وگویی طولانی بود. گفت‌وگوی ارباب معرفت در نشریات فرهنگی (همچون کیان) و همنشینی و مباحثه ارباب سیاست در مراکز سیاسی (همچون مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری). نقدها حاصل آمد و عیارها گرفته شد تا دوم خردادی پدیدار گشت و اصلاحاتی حاصل آمد. اما آیا در غیاب «گفت‌وگو» نبود که پایان اصلاحات رقم خورد؟ اصلاح‌طلبان حتی در درون یک حزب و در درون یک خانه، چندپاره و چندخانه شدند. در غیاب جامعه چندصدایی، از درون یک حزب اصلاح‌طلب، نه یک صدا که چند صدا بلند بود! یکی از ضرورت «فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا» سخن می‌گفت و دیگری از «مذمت فشار از پایین برای چانه‌زنی در بالا». اینها اما دو صدای متضاد از درون یک حزب بود که خارج از یک حزب، احزاب دوم خردادی نیز هر یک در شیپور خود می‌دمیدند و ندایی متفاوت سر می‌دادند: از تغییرات حقیقی تا تغییرات حقوقی، از توقف در خاتمی تا عبور از خاتمی و از ایران برای همه ایرانیان تا خودی و غیرخودی. این شهرفرنگ اما نه نشانه پلورالیسم که منطق جایگزینی «مونولوگ» به جای «دیالوگ» بود. گفت‌وگویی در کار نبود یا اگر بود منطقی بر آن حاکم نبود که چه جای توجیه است برای مخابره تاکتیک‌های متفاوت و حتی متضاد از درون یک حزب (اگر نگوییم از درون یک جبهه)؟ اکنون اما آیا همچنان باید تداوم این «تعلیق دیالوگ» را به حساب تقدیر گذاشت و آن را سرنوشتی محتوم دانست؟ پاسخ برعهده سیاستمداران و سیاست‌ورزان ایرانی است اما بی‌شک می‌توان در آینه دید که فضای تعلیق از عرصه سیاسی ایران رخت برنخواهد بست، جز آنکه پیشتر، دیالوگ را از تعلیق بیرون آوریم و سهم این فرزند مقهور را ادا سازیم. بدین‌ترتیب سیاستمداران اصلاح‌طلب، اکنون پیش از ارائه برنامه، پیش از ائتلاف سیاسی و پیش از هر سیاست‌ورزی و تلاشی برای بازگشت به قدرت، باید که باب دیالوگ را بگشایند. باید گفت‌وگو برقرار باشد تا ضرورت یا عدم ضرورت ائتلاف مشخص شود. باید مباحثه آغاز شود، تا توافق برای چگونگی ورود به قدرت حاصل آید. دیالوگ انجام باید شود، تا برخلاف آن سخن معروف که «شکست مقدمه‌ای است بر پیروزی» در آینده، پیروزی‌های ما مقدمه‌ای بر شکست نباشد و تاریخ- همچنان و همچنان- دوباره تکرار نشود. این‌چنین است که گفت‌وگوهایی از جنس گفت‌وگوی روز گذشته عباس عبدی و موسی غنی‌نژاد- درخصوص نفت و اقتصاد سیاسی- را نیز به فال نیک باید گرفت. دیدیم که چگونه روشنفکران و سیاستمداران پیشرو، از کنار طرح «پنجاه هزار تومانی» کروبی به طعنه گذشتند و اکنون اما در خلال این گفت‌وگوها است که یک سیاستمدار و یک اقتصاددان (عبدی و غنی‌نژاد)- در حالی که نه چپ هستند و نه طرفدار پوپولیسم و البته هم مرزبندی با اندیشه چپ دارند و هم دشمنی با پوپولیسم- از قابل دفاع بودن طرح مهدی کروبی سخن می‌گویند و تقسیم پول نفت در میان مردم را چاره‌ای برای رشد دموکراسی در ایران می‌دانند. چه‌بسا اگر چنین گفت‌وگویی میان عباس عبدی و موسی غنی‌نژاد صورت نمی‌گرفت، بسیاری بر این گمان می‌بودند که میان آن سیاستمدار باسابقه چپ انقلابی و این اقتصاددان لیبرال ایرانی، توافقی در میان نیست. اما آنچنانکه دیدیم نتیجه این گفت‌وگو، برنامه‌ای برای یک «اقتصاد سیاسی» بود و موضوعی برای توافق. اما آیا سیاستمداران اصلاح‌طلب ما، در نگاهی کلان‌تر و در سطوحی بالاتر، نمی‌توانند برنامه‌هایی برای سیاست و فرهنگ را اینچنین از میانه دیالوگ‌ها و گفت‌وگوها استخراج کنند و راه آینده را بگشایند؟ ریچارد رورتی، پراگماتیست آمریکایی، می‌گوید که «آزادی را پاس بدار، حقیقت هم هوای خودش را خواهد داشت»، ما نیز به تاسی از او می‌توانیم بگوییم که «گفت‌وگو را پاس بدار، حقیقت هم هوای خودش را خواهد داشت.» اما به آینده امیدوار نمی‌توان بود اگر قرار را بر آن بگذاریم که برای اثبات ضرورت «دیالوگ» نیز گفت‌وگویی دیگر لازم است. آیا در «گفت‌وگو» حاجت هیچ استخاره هست؟

## باز هم ناتاشا

صفحه اول

**آرش فرح‌زاد:** معدود روزنامه‌های اروپایی که در روز تعطیل یکشنبه منتشر شدند آخرین اخبار و تحلیل‌ها را در مورد رهایی ناتاشا کامپوش دختری که هشت سال قبل ربوده شده بود به طور گسترده پوشش داده بودند. روزنامه «کلین سایتونگ» در همین زمینه گفت‌وگویی را با یک روانشناس انجام داد که ناتاشا را مورد معاینه قرار داده بود: «ناتاشا هشت سال در اسارت بود و این زمان برای اینکه یک دختر نوجوان گروگانگیر خود را به عنوان پدر دوم خود بپذیرد کافی است. این دو نفر رابطه بسیار قوی با هم داشتند و ولفگانگ پریکلوپیل به گونه‌ای با ناتاشا رفتار می‌کرد که انگار می‌خواهد او را تربیت کند و از او یک کودک و یا زن کامل بسازد. ولفگانگ خود را در برابر این دختر مسئول می‌دید.» روزنامه ایتالیایی «لاریپوبلیکا» نیز نظر دو روانشناس را مورد توجه قرار داده بود: «اختلالات و تغییراتی که در ناتاشا ایجاد شده است را می‌توان شبیه به «سندروم استکهلم» دانست. این تاکتیکی است که فردی که مورد هجوم واقع شده سعی می‌کند با ارتباط برقرار کردن با فرد مهاجم جان خود را حفظ کند. یعنی وقتی نمی‌توانید با دشمن خود مقابله کنید پس سعی کنید با او ارتباط دوستانه برقرار کنید. البته انتظار نمی‌رود دختری ۱۰ساله که به گروگان گرفته شده به دلیل تجربه کم بتواند برای نجات خود از این روش استفاده کند اما این در ضمیر هر انسانی قرار دارد که به خوبی می‌داند نباید با دشمن خود و یا کسی که توانایی‌هایش بسیار بیشتر از او است به گونه‌ای رفتار کند که باعث تحریک احساسات منفی او شود.»

آگهی استخدام
بانک پاسارگاد
ویژه بازنشستگان محترم شبکه بانکی
شرح در صفحه ۱۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می کند:
مسابقه مقاله‌نویسی به مناسبت
سال رسول اعظم (ص)
شرح در صفحه ۷

جناب آقای دکتر عثمانی
مدیر عامل محترم شرکت صنعتی کاوه
درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم. برای آن مرحوم غفران الهی و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌نماییم.
هیات مدیره و کارکنان
شرکت صنعتی کاوه

اطلاعیه
ارتباط مستقیم تلفنی هموطنان با مدیران ستاد مبارزه با مواد مخدر در هفته دولت
رجوع به صفحه داخلی

انتخاب اول
همه روزه همراه روزنامه در استان تهران (از کرج تا فیروزکوه) و استان های قم و قزوین
از روزنامه فروشی‌ها بخواهید

امور مشترکین:
از مشترکین عزیز روزنامه خواهشمندیم انتقادات و پیشنهادهای خود را در مورد نحوه ارسال روزنامه به شماره‌های ذیل اعلام فرمایند:
تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹ نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵